جدید را پی‌ریزی کنـد. با این همه نباید فراموش کرد که انتخاب مربیان خارجی نیاز به برنامه‌ریزی، استراتژی و هدفگـذاری دارد. نگاهی به انتخـاب ویلموتس برای تیم ملی مشـخص می‌کند که موارد گفته شده در نگاه مدیران فدراسیون فوتبال ایران جایی ندارد. در فضایی غیرشفاف، سـرمربی تیم ملی انتخاب شد و در فضایی غیرشـفاف‌تر، از برکناری قریب‌الوقوعش خبر داده شد. در فضایـی مبهم به ایران آمـد و در فضایی مبهم‌تر از ایران می‌رود. هیچ‌کس در فوتبال ایران پاسخ نمی‌دهد ویلموتس بنا به چه برنامه‌ای آمد و چگونه فدراسـیون فوتبـال به گزینـه برانکو برای سـرمربیگری تیم ملی رسید؟ مشـکل همین‌جاسـت؛ مدیریت غیرشفاف در فوتبال ایران.

■■■

«سـرمربی یک رهبر اسـت که تمـام تصمیمات مختلـف از جانب تیم را باید هدایـت و مدیریت کند. در هـر دو این موقعیت‌ها شـما نبایـد اصول خودتان را فرامـوش کنید و باید به این اصـول پایبند بمانید.» این جمل کارلوس کی‌روش، سـرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران اسـت. چنین مربیانی ظرفیت بازیکنان را به بالاترین سـطح می‌رسانند (چیزی که نشانه‌ای از آن در ویلموتـس ندیدیم). فوتبال ایـران با حضور مربیان خارجی طراز اول می‌تواند زودتر از بسیاری از کشورهای آسـیایی به موفقیت برسد. در این سـال‌ها آنچه همه دیدیم این بـود که رفتار و برنامه کـی‌روش، برانکو و حالا استراماچونی باعث شد تا تیم‌هایشان موفق شوند؛ موفقیتی که ربط معناداری به مدیران عالی فدراسـیون و باشـگاه‌های پرسپولیس و اسـتقلال نداشته و ندارد. و می‌مانـد این اعتراف تلخ کـه: کاش در فوتبال ایران مدیران خارجی هم می‌شد وارد کرد.

سوژه

پیوندمان را با گذشته زنده نگه داریم

امجدیه؛ موزه فوتبال ایران

پویا جاویدان
Pouya Javidan

سال‌ها است امجدیه مکان تشـییع جنازه‌هایی است که در آن حماسه آفریدند، پسـرهایی که در این ورزشگاه با فریاد تشویق پدران و مادران، خواهران و همسـران، معشـوقه‌ها و نوچه‌ها و طرفدارهای خود درخشیدند و ستاره شـدند یک بار دیگر پا به امجدیه می‌گذارند اما این بار برای خداحافظی، پیچیده در کفن در ورزشگاه دور افتخار می‌زنند و از در غربی با غروب آفتاب راهی گورستان می‌شوند، تصویری به غایت دردناک و هولناک؛ امروز بسـیاری از قهرمانان تیم ملی در جام ملت‌ها پیش ما نیستند، شاهدان عینی قهرمانی در خاک وطن در گوشه و کنار دنیا فوت کرده‌اند اما امجدیه هنوز سرپاسـت، با سـایه تهدید تخریب و تبدیل به مرکز تجاری. نسـل‌های جدید هیچ‌کدام تجربه‌ای از رفتن به ورزشـگاه و تشـویق تیم ملی در امجدیه ندارند، شاید حتی وجه تسـمیه امجدیه را هم ندانـند، آزادی برای آنها قلعه عقاب‌ها اسـت اما قبل تـر از آزادی این امجدیه بود که شـاهد قهرمانی‌های ایران در جام ملت‌ها بوده.

در زمانی که تاریخی‌ترین ورزشـگاه فوتبال کشـور با هر طلوع آفتاب با تهدید تخریب و تبدیل شدن به مرکز خرید روبه‌رو است صحبت کردن از موزه فوتبال شـاید ساده‌لوحی است اما موزه‌ها بخش لاینفک جوامع امروزی هسـتند، نقش‌آفرینی موزه‌ها در به نمایش گذاشتن میراث گذشته، فراهم کردن بستر تحقیق و تولید علم، برقرار کـردن پیوند فرد و جامعه و ایجاد محرک‌های فرهنگی تعریف می‌شود، موزه‌ها آینه مسیر طی شده ما هستند، مسـیری که فارغ از سـربلندی و یا شکسـت، خوب یا بد بودن راهی است که پیموده شده، آنچه از این راه بجا می‌ماند در قالب ارزش‌ها، اشیا و اتفاقات به عنوان میراث گذشتگان در موزه‌ها به نمایش در می‌آیند، موزه‌های ورزشی هم از این قاعده مستثنی نیستند.

موزه فوتبال مثل مابقی موزه‌ها مؤسسـه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان باز اسـت و در خدمت جامعه و پیشـرفت آن فعالیت می‌کند. هـدف موزه فوتبال: ۱- یادآوری و به نمایش گذاشـتن دستاوردها و افتخارات تیم ملی در ادوار، رشته‌ها و رده‌های مختلف، ۲- برقراری پیوند با جامعه به عنوان محرک فرهنگی-ورزشـی و نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و ورزشـی در جامعه و ۳-ایجاد آرشـیو مستند اشیا و اسـناد برای تحقیق است. اشـیا در موزه‌های مختلف متفاوت است، جام‌های قهرمانی، یادگاری‌ها اعم از پیراهن‌های اهدایی و جوایز شخصی (مرد سال آسیا)، دستاوردها (معنوی و مادی) و لباس و تجهیزات تیم ملی در ادوار مختلف، عکس‌ها و فیلم‌های بازیکنان برجسته و خاطره‌ساز اشیای موزه فوتبال هستند.

ایجاد موزه با بهره‌گیری از متخصصـان (کتابدارها، موزه‌دارها، روزنامه نگاران، تاریخ‌دان ورزشـی) و یک سـناریو و چیدمان مناسـب می‌تواند در بعد معنوی هم میراث گذشتگان را حفظ کند و هم حس غرور و عرق ملـی را برانگیزد. مهم‌ترین نکته در مورد موزه پیوند آن با جامعه است موزه بدون بازدیدکننده انباری بیش نیست. نگهداری جام‌ها و یادگاری‌ها به دور از انظار عمومی در فدراسـیون غلطی است که متأسـفانه همچنان ادامه دارد، برای برقراری پیوند موزه با جامعه اشیا، نحوه چیدمان و سناریو موزه ارکان تعیین‌کننده‌ای هسـتند، از طرفی آثار بایستی این جذابیت را داشته باشند تا سودای بازدید را در بیننده بیدار کند و بعد از بازدید حس خـوب و تجربه به یادماندنی را رقم بزند و از طرف دیگر موزه بایستی قادر باشد این پیوند و ارتباط را همواره زنده نگه دارد، برنامه بازدیدهای دانـش آموزی و تیم‌های رده پایه از موزه فوتبال می‌تواند انگیزه ورزشکار شدن و بلند پروازی را در رده‌های سنی پایه نهادینه کند، جذب مخاطب از طریق به نمایش گذاشـتن عکس و ویدئو مدیوم بسیار جذاب و کارآمدی اسـت، به عنوان مثال به نمایش گذاشـتن هنرنمایی‌های علی پروین و علی کریمـی به همراه نمایش ویدئـوی واکنش‌های حیرت‌انگیز و روحیـه بخش احمدرضا عابدزاده کاپیتان مقتدر سـال‌های نه چندان دور تیم ملی و جنگندگی و سیری‌ناپذیری علی دایی برای موفقیت در موزه فوتبال می‌تواند بخش جذاب و آموزنده آن باشد، جانمایی موزه در بافت شهری و دسترسی‌های آن نکته دیگر موزه اسـت، از این حیث ورزشگاه امجدیه بهترین گزینه برای جانمایی موزه فوتبال است.

برخی از رؤسای سـابق و پیشکسوتان فوتبال بر این باور هستند از آنجایی که سال‌ها است تیم ملی ایران در سطح قاره افتخاری کسـب نکرده اسـت، ایجاد موزه فوتبال دغدغه اصلی نیست و اساسـاً در سـال‌های پس از انقلاب انگیزه‌ای برای ایجاد وجود نداشته و ندارد اما موزه محل به نمایش در آمدن اشیای متفاوتی است که مسیر پیموده شده را نشـان می‌دهد، آنچه در گذشته بوده و راهی که طی شـده، رویارویی با این حقیقت که تیم ملی ایران سال‌ها است قهرمان آسیا نشده نافی تشکیل موزه نیست، ارزش‌گذاری مسـیر فوتبال ما لزوماً با جام تعریف نمی‌شـود، دستاوردهای فرهنگی و میراث معنوی امثال پرویز دهداری در کنار ثبات و اقتدار تیم ملی در دوران کی‌روش بخشـی از تاریخ فوتبال ما است.

سـاختمان موزه و نمایش پیراهن و جام‌هـا به خودی خود یک موزه را تعریف نمی‌کند، موزه‌ها امـروزه از تعریف ابتدایی خود به عنوان مـکان نمایش فاصله گرفته‌اند، پاسـداری از ارزش‌ها و میراث گذشـته، فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی و برقراری پیوند با جامعه، تعریف امروزی موزه است، شبکه‌های اجتماعی ابزار بسـیار قدرتمندی برای برقراری ارتباط هسـتند، موزه و بسـیاری از دیگر موزه‌ها صفحه اینسـتاگرام و توییتر دارند و با اعلام برنامه‌های و رویداد مختلف پیوسته با مخاطبان در تماس هسـتند. موزه فوتبال به همراه یک سایت و آرشیو مستند برای تحقیـق متخصصین و روزنامه‌نـگاران و بهره‌گیری از صفحات اجتماعـی، اطلاعات و فیلم‌های بازیکنان و مربیان ابزار بسـیار کارآمد و خوبی در دسـتان اهالی فوتبال و علاقه‌مندان خواهد بود. برگزاری مراسم یادبود، سـمینارهای بزرگداشت و اهدای جوایز یک عمر فعالیت ورزشی از دیگر فعالیت‌های موزه فوتبال می‌تواند باشد. این اوضاع و احوال آشفته کشوری که تصمیمات مدیریتی بسـیار لخـت و بی‌برنامه گرفته می‌شـوند فرصت‌ها و سـال‌ها یکی پـس از دیگری از دسـت می‌روند، سـال‌های همبستگی ملی، سـال‌های سازندگی، سـال‌های مقاومتی و سـال‌های مدیریت جهادی، سال‌های پاسـخگویی، مشارکت عمومی، سـال‌های حمایت از سرمایه ایرانی آمدند و رفتند و در این سال‌ها پیوند ارگان‌های دولتی و سازمان‌های وابسته دولتی با مردم بیشتر از آنکه به سـمت و سوی اتحاد ملی و همبستگی میل کند به سـمت گسسـتگی میل کرد؛ پیوند فرد و اجتماع در قالب نهادهای مدنـی، فرهنگی، اجتماعـی و هر یک به تار مویی بسته اسـت، آمار پایین موزه‌گردی در ایران یکی از همین پیوندها است.

متولی موزه فوتبال بدون شـک فدراسیون فوتبال است، وظیفه حفظ و نگهداری آثار و اشـیای فوتبال هم به عهده فدراسـیون اسـت، جام‌های قهرمانی تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا ۱۹۶۸، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ در فدراسـیون فوتبال نیست! از رؤسای قبلی و مسئولان فعلی کسی از مکان آنها اطلاعی ندارد. نمی‌دانم روزی که اصغر شـرفی، مرحوم همایون بهـزادی، علی جباری و مرحوم محراب شـاهرخی دلشـان برای دیدن جام تنگ شد چه کردند؟ نمی‌دانم اگر روزی حسـین کلانی و اکبر افتخاری بخواهند در سـالروز قهرمانی ۱۹۶۸ آسـیا عکـس یادگاری با جام بگیرند چه تدبیری از آسـتین فدراسیون‌نشـینان بیرون خواهد آمـد، آیا از منیریه یک جام نمادیـن تهیه می‌کنند؟ آیا از ملی پوشـان سـابق می‌خواهنـد به دنبال تشـویش اذهان عمومی نباشند؟ آیا رو به دوربین زل می‌زنند و می‌گویند ما یک فدراسیون پنج ستاره هسـتیم و اجازه نمی‌دهیم کسی ما را به حاشیه ببرد؟

مرحـوم ناصرخان حجازی، ابراهیم آشـتیانی، غلامحسـین مظلومی و صفر ایرانپاک که دیگر نیسـتند اما بقیه ملی پوشان و افتخارآفرینان ایران مثل حسـن روشـن، جلال طالبی، علی پروین، ناصر نورایی، علیرضا عزیزی اگر روزی دلشان برای جامی که بالای سر برده‌اند تنگ بشود چه کار می‌کنند؟ هوادارانی که در کنار آنها در اسـتادیوم امجدیه با تشویق‌های بی‌امان و شور و شـوق عرصه را بر حریفان تنگ کرده‌اند بخواهند نگاهی به آن جام بیندازند چه کار می‌کنند؟

یاد منصور رشـیدی و قهرمانی با کلین شـیت در جام ملت‌ها و رکورد جاودانه پرویز قلیچ‌خانی با سه قهرمانی در جام ملت‌های آسـیا را در کجا به غیر از موزه فوتبال می‌توان زنده نگه داشت؟ موزه فوتبال (فوتبال ساحلی و فوتسـال و فوتبال بزرگسالان) جای به نمایش در آمدن افتخارت علی دایی اسـت که آقای گل جهان اسـت؛ جای به نمایش در آمدن پیراهن جواد نکونام است که رکورددار پوشیدن پیراهن تیم ملی است؛ جای گرامیداشت بازیکنانی مثل عابدزاده، مهدوی کیا، کریمی و کریم باقری است، موزه فوتبال مکان جاودانه کردن افتخارت وحید شمسـایی و حیدریان اسـت، جای یادآوری روند رو به رشد فوتبال ساحلی و افتخارات پیمان حسینی است. چه مکانی شایسته‌تر و بایسته‌تر از موزه فوتبال ملی می‌تواند یـاد و خاطره قهرمانان ملی را زنده نگه دارد و در پیوند با جامعه محرک فرهنگی-ورزشـی باشد؟! در هیچ مکانی شایسته‌تر و با اهمیت‌تر از موزه فوتبال نمی‌توان از امثال علی پروین، جلال طالبی، حشـمت مهاجرانی و اصغر شـرفی تقدیر کرد و مسیر طی شـده فوتبال را مرور کرد و بذر آینده روشن را در جامعه فوتبال کاشت.